مجله علمی پژوهش در علوم انسانی و مطالعات اجتماعی، شماره ۱۰، زمستان ۱۳۹۶، جلد اول، ص ۲۵۹-۲۵۱
www.jhss.ir

مجله علمی پژوهش در علوم انسانی و مطالعات اجتماعی (سال چهارم)
شماره ۱۰ / زمستان ۱۳۹۶ / ص ۲۵۹- ۲۵۱

بررسی جامعه شناختی نظریات، مفاهیم و شاخص های سرمایه اجتماعی

حافظ احمدی[۱]، علیرضا منصوری خواه [۲]، رقیه مزرعه فرد [۳]

[۱] کارشناس ارشد جامعه شناسی، دانشگاه آزاد واحد شوشتر، خوزستان، ایران
[۲] دانشجوی دکترای جامعه شناسی، دانشگاه آزاد واحد بوشهر، بوشهر، ایران
[۳] کارشناس ارشد جامعه شناسی، دانشگاه الزهراء، تهران، ایران

نام نویسنده مسئول:

حافظ احمدی

چکیده

سرمایه مادی به دارائیهای مادی و سرمایه انسانی به ویژگی‌ها و استعدادهای افراد اشاره دارد، درحالی که سرمایه اجتماعی ناظر بر ارتباطات و شبکه‌های اجتماعی، هنجارها و اعتماد متقابل ناشی از آنها بین افراد یک جامعه است. در این میان نباید از نقش نهادهای مدنی و دمکراتیک و نیز نقش دولت در گشودن چنین فضاهایی غافل شد. به هر روی، امروز بر جامعه‌شناسان ثابت شده که یکی از ابعاد مهم هر توسعه‌ای توجه به سرمایه‌های اجتماعی است. از این‌رو سرمایه اجتماعی، یکی از مهمترین شاخصه‌های رشد و توسعه هر جامعه‌ای به شمار می‌آید. مطلب حاضر در چند بخش به بحث درباره سرمایه اجتماعی می‌پردازد. ابتدا بررسی نظریات جامعه شناختی مرتبط با سرمایه اجتماعی، نظیر نظریات رابرت پاتنام، جیمز کلمن، پیر بوردیو، فرانسیس فوکویاما، نان‌لین، نارایان و پریتچت، ولکاک و نارایان موضوع بحث می باشد. در ادامه، مقاله با بررسی مفاهیم برشمرده در آرای این اندیشمندان در جهت تعریف و تعیین حدود و ثغور مفهوم سرمایه اجتماعی، و نگاهی به شاخص ها و ابعاد و مولفه های تعیین شده برای مفهوم سرمایه ی اجتماعی استمرار می یابد. و نهایتا بحث در خصوص اهمیت و کارکردهای سرمایه اجتماعی در دنیای امروز، پایان بخش مقاله می باشد. روش به کار گرفته شده در این مقاله، روش توصیفی تحلیلی می باشد. از جمله نتایج این مقاله، می توان به تعیین و تعیّن مفهومی سرمایه اجتماعی و اشاره به جایگاه آن در استحکام بخشی به جامعه توسعه یافته اشاره کرد که خاصه می تواند برای اقشار مختلفی همچون دولتمردان، مسئولان، کارگزاران و صاحبنظران فرهنگی، در جهت سیاستگزاری های خُرد و کلان برای جامعه مفید فایده قرار گیرد.

واژگان کلیدی: سرمایه اجتماعی، اعتماد، مشارکت، توسعه، دموکراسی

مقدمه

واژه ی سرمایه اساسا در قلمرو اقتصادی به کار گرفته می شود ولی از حدود دو دهه گذشته، در قلمرو اجتماعی مورد پذیرش فزاینده ای قرار گرفته است و در حال حاضر به عنوان یکی از موارد مهم در توسعه یافتگی مطرح می باشد (مرکز ملی آمایش، ۱۳۸۵، ۷۹ و صیدایی و همکاران، ۱۳۸۸، ۱۸۹) به سه نوع سرمایه ای که به طور متداول در تحلیل های اقتصادی تحت عناوین سرمایه فیزیکی یا تولیدی، سرمایه طبیعی و سرمایه انسانی از آن ها نام برده می شود، اکنون نوع چهارمی با عنوان سرمایه اجتماعی اضافه شده است (صیدایی و همکاران، ۱۳۸۸، ۱۸۹)
سرمایه اجتماعی واژه‌ای است که در سال‌های اخیر وارد حوزه علوم اجتماعی و اقتصادی شده و از این منظر دریچه تازه‌ای را در تحلیل و علت‌یابی مسائل اجتماعی و اقتصادی گشوده است. در این زمینه مطالعات وسیعی توسط صاحب‌نظران و دانشمندان این علوم صورت گرفته و نظریه‌پردازانی همچون جین جاکوب(۱۹۶۱)، لوری(۱۹۷۰) بن پرات(۱۹۸۰)، ویلیامسن(۱۹۸۱)، بیکر(۱۹۸۳)، جیمز کلمن(۱۹۶۶)، رابرت پاتنام(۱۹۷۰)، پیر بوردیو(۱۹۸۰) و فرانسیس فوکویاما(۱۹۹۰) تعاریف متعددی از سرمایه اجتماعی ارائه کرده‌اند (مبشری، ۱۳۸۷، ۱۶).
در کلی ترین سطح، سرمایه اجتماعی، ویژگی هایی از یک جامعه یا گروه اجتماعی است که ظرفیت سازماندهی جمعی و داوطلبانه برای حل مشکلات متقابل یا مسائل عمومی را افزایش می دهد. از جمله می توان از معیار رابطه ی متقابل یا رفتار غیرخودخواهانه، یا معیارهایی نام برد که اجرای قراردادها را تسهیل می کند (تاجبخش، ۱۳۸۹، ۱۰).
سرمایه اجتماعی در سالهای اخیر، به یکی از بحث انگیزترین و جنجالی ترین مفاهیم علوم اجتماعی و پژوهش های توسعه تبدیل شده است و حجم ادبیات دانشگاهی و سیاسی مرتبط با آن به سرعت در حال افزایش است. این مساله به ویژه در ایالات متحده آمریکا و بریتانیا صادق است و یکی از دلایل آن وجود ماهیت بسیار فردگرایانه ی روابط اجتماعی معاصر در این کشورهاست (که به مسائلی همچون ازدواج های بی دوام، میزان زیاد جنایت و ازخودبیگانگی افراد منجر می شود). در عین حال، سرمایه ی اجتماعی به سرعت به ابزار تحلیلی اصلی پژوهش های جدید توسعه ی اقتصادی و اجتماعی در کشورهای در حال توسعه تبدیل می شود؛ در شرایطی که سرمایه ی اجتماعی، یعنی توانایی استفاده جمعی و توام با همکاری از منابع برای وظایف عمومی وجود نداشته باشد، بعید است که تنها تامین سرمایه مالی و افزایش سرمایه ی انسانی (از طریق آموزش) بتواند به نتایج مثبتی همچون رشد اقتصادی و کاهش فقر، یا مشارکت بیش تر و پاسخ گویی نهادهای عمومی منجر شود (تاجبخش، ۱۳۸۹، ۱۰).

۲- بیان مساله

از جمله مسائل و دغدغه های سیاستگذاران و برنامه ریزان کشور، این موضوع است که چرا به رغم تمام برنامه ریزی ها و سرمایه گذاری های متعددی که دولت در بخش های اقتصادی انجام می دهد، نمی توان بر شرایط دشوار اقتصادی و مشکلات معیشتی مردم فائق آمد. معمولا زمانی که از مشکلات اقتصادی کشور سخن به میان می آید، اغلب کمبود سرمایه فیزیکی (مادی) به عنوان یکی از بزرگترین معضلات نام برده می شود و از سرمایه های اجتماعی هیچ سخنی به میان نمی آید. این در حالی است که نیاز به سرمایه اجتماعی در شرایط رکودی یا تورمی که نیاز به اعتمادسازی است، بیش از هر سرمایه دیگری احساس می شود و سرمایه اجتماعی در کنار سایر سرمایه ها می تواند بسیاری از معماهای لاینحل اجتماعی را از سر راه حرکات توسعه ای جامعه بردارد و رشد شتابان اقتصادی، اجتماعی را امکان پذیر نماید (متوسلی و بی نیاز، ۱۳۸۱، ۳۶-۳۵).

امروزه سرمایه اجتماعی، نقشی بسیار مهم تر از سرمایه فیزیکی و انسانی در جوامع ایفا می کند و شبکه های روابط جمعی انسجام بخش میان انسان ها و سازمان هاست.در صورت فقدان سرمایه اجتماعی، سایر سرمایه ها اثربخشی خود را از دست می دهند و بدون سرمایه اجتماعی، پیمودن راه های توسعه و تکامل فرهنگی و اقتصادی ناهموار و دشوار می نماید. از این رو موضوع سرمایه اجتماعی به عنوان یک اصل محوری، برای دستیابی به توسعه محسوب می گردد (الوانی و شیروانی، ۱۳۸۳، ۱۴۷).

شناخت ارتباط بین سرمایه اجتماعی با مولفه های توسعه، بالاخص توسعه اجتماعی، از طریق به تصویر کشیدن نابسامانی های اجتماعی و توزیع نابرابر منابع، امکانات و نیز پیوند این مولفه ها با سرمایه اجتماعی امکان پذیر گردیده است. افزایش این نابسامانی ها رابطه ای تنگاتنگ با عدم تعادل و نابرابری فضایی حاصل از توزیع نابرابر منابع و امکانات دارد. گسترش فقر و نابرابری ها در جامعه ناشی از توزیع ناعادلانه براساس سلسله ای از روابط علت و معلولی، زمینه بروز مسائل و نابسامانی ها و آسیب های اجتماعی را فراهم می آورد. مشکلات ناشی از چنین بحران هایی که روند سقوط سرمایه اجتماعی را نشان می دهد، خود سبب کندی حرکت در مسیر توسعه و بالاخص توسعه اجتماعی می گردد. در تلفیق و جمع بندی می توان این فرض را نمود که بین سرمایه اجتماعی و فرایند توسعه در مرحله ای که عدم تعادل ها، نابرابری ها، نابسامانی ها و تبعیض ها وجود دارد، چگونگی توسعه و برنامه های آن در توزیع مفید منابع در ایجاد و تقویت سرمایه اجتماعی نقش دارد. بعد از آن، با عناصری مانند آگاهی، توانمندسازی، اعتماد و مشارکت، سرمایه اجتماعی شکل می گیرد، این سرمایه می تواند به عنوان یک متغیر مهم در برنامه های توسعه ای وارد عمل شود و به کارآمدی برنامه ها و همراهی و همکاری آحاد مردم منجر گردد (صیدایی، ۱۳۸۸، ۱۸۸).

۳- نظریه پردازان سرمایه اجتماعی

مفهوم سرمایه، یکی از غنی ترین چارچوب های تبیینی در ملاحظات جامعه شناختی و اقتصادی معاصر است. این مفهوم طی چهار دهه گذشته، دستخوش تحولاتی گردیده است که به واسطه آنها شاهد ظهور نظریه های جدید سرمایه، نظیر سرمایه انسانی، سرمایه فرهنگی و سرمایه اجتماعی می باشیم. در این میان، سرمایه اجتماعی که اخیرترین در نظریه های جدید سرمایه به شمار می آید در عین آنکه پیوستگی مفهومی خود را به دلیل بعضی مضامین مشترک با سرمایه در معنای کلاسیک و جدید خود حفظ نموده، اما بیشتر از اشکال دیگر سرمایه، حالتی استعاره ای داشته و نیز از عینیت کم تری برخوردار است، ضمن این که در ادبیات نظری و تجربی مربوطه، این مفهوم گاهی اوقات در معانی بسیار متفاوت و کارکردهای بسیار متنوع به کار رفته است. از این رو بازنگری این مباحث برای مقایسه و طبقه بندی تعاریف، کارکردها و در نهایت رویکردهای نظری مطرح در این حوزه، خصوصا به دلیل نو بودن این مفهوم حائز اهمیت است(توسلی، موسوی، ۱۳۸۴، ۱).

جیمز جاکوب در کتاب «مرگ و زندگی شهرهای بزرگ آمریکایی» سرمایه اجتماعی را شبکه‌های اجتماعی فشرده‌ای می‌داند که در محدوده‌های قدیمی شهری در ارتباط با حفظ نظافت، عدم وجود جرم و جنایت خیابانی و دیگر تصمیمات در مورد بهبود کیفیت زندگی در مقایسه با عوامل نهادهای رسمی مانند نیروی حفاظتی پلیس و نیروی انتظامی، مسئولیت بیشتری از خود نشان می‌دهند. یک مثال عینی این تعریف را در دنیای امروزه می‌توان در تشکل‌های غیردولتی حمایت از محیط زیست یافت. این شبکه اجتماعی بعضا نیروهای قدرتمندی را به صورت NGOها به وجود می‌آورد که حتی در حمایت از محیط زیست موجب توقف پروژه‌های عمرانی دولت نیز می‌شوند (مبشری، ۱۳۸۷، ۱۶).

گلن لوری، سرمایه اجتماعی را مجموع منابعی می‌داند که در ذات روابط خانوادگی و در سازمان اجتماعی جامعه وجود دارد و برای رشد شناختی یا اجتماعی کودک یا جوان سودمند است. بن‌پرات، در تعریف سرمایه اجتماعی، روابط بین افراد یک خانواده، گروهی از دوستان یا شرکای یک شرکت را به صورت رابطه F تعریف می‌کند و به بررسی اثرات این رابطه بر مبادلات اقتصادی می‌پردازد (مبشری، ۱۳۸۷، ۱۶).

ویلیامسن و بیکر، که به دنبال مطالعات بن پرات در پی بررسی شیوه اثرگذاری یک سازمان اجتماعی بر عملکرد نهادهای اقتصادی بوده‌اند مجموعه‌ای از مطالعات را پایه‌گذاری کرده‌اند که اقتصاد نهادی نام گرفته است. بیکر نشان داده است که چگونه روابط میان سوداگران در بازار فوق‌العاده عقلانی شده بورس تجاری شیکاگو توسعه می‌یابد، حفظ می‌شود و بر فعالیت داد و ستد تاثیر می‌گذارد (مبشری، ۱۳۸۷، ۱۶).

از نظر پیر بوردیو، سرمایه اجتماعی حاصل جمع منابع بالقوه و بالفعلی است که نتیجه مالکیت شبکه بادوامی از روابط کمابیش نهادینه شده آشنایی و شناخت متقابل بین افراد - یا به بیان دیگر عضویت در گروه - است. شبکه‌ای که هر یک از اعضای خود را از پشتیبانی سرمایه جمعی برخوردار می‌کند و آنان را مستحق اعتبار می‌سازد. البته سرمایه اجتماعی مستلزم شرایطی به مراتب بیش از وجود صرف شبکه پیوندها است. در واقع پیوندهای شبکه‌ای می‌بایست از نوع خاصی باشند، یعنی مثبت و مبتنی بر اعتماد (مبشری، ۱۳۸۷، ۱۶).

برخلاف بوردیو، کلمن از واژگان مختلفی برای سرمایه اجتماعی کمک گرفت. وی مفهوم سرمایه اجتماعی را از ابعاد مختلف بررسی کرد. کلمن برای تعریف سرمایه اجتماعی از کارکرد آن کمک گرفت و تعریفی کارکردی از سرمایه اجتماعی ارائه داد و نه تعریفی ماهوی. بر این اساس سرمایه اجتماعی شیء واحد نیست بلکه انواع چیزهای گوناگونی است که دو ویژگی مشترک دارند: همه آنها شامل جنبه‌ای از یک ساخت اجتماعی هستند و کنش‌های معین افرادی را که در درون ساختار هستند تسهیل می‌کنند. سرمایه اجتماعی مانند شکل‌های دیگر سرمایه مولد است و دستیابی به هدف‌های معینی را که در نبود آن دست یافتنی نخواهد بود، امکان‌پذیر می‌سازد. سرمایه اجتماعی مانند سرمایه فیزیکی و انسانی کاملا تعویض پذیر نیست اما نسبت به فعالیت‌های به خصوصی تعویض‌پذیر است (مبشری، ۱۳۸۷، ۱۶).

شکل معینی از سرمایه اجتماعی که در تسهیل کنش‌های معینی ارزشمند است ممکن است برای کنش‌های دیگر بی‌فایده یا حتی زیان‌مند باشد. سرمایه اجتماعی نه در افراد و نه در ابزار فیزیکی تولید قرار دارد. بنابراین از نظر کلمن سرمایه اجتماعی شامل یک چارچوب اجتماعی است که موجب تسهیل روابط میان افراد درون این چارچوب می‌شود، به گونه‌ای که فقدان آن ممکن است در دستیابی به هدف معین هزینه بیشتری به افراد آن جامعه تحمیل کند.

رابرت پاتنام یکی از مهمترین نظریه‌پردازان سرمایه اجتماعی است. به باور او درحالی که سرمایه مادی به دارائیهای مادی و سرمایه انسانی به ویژگی‌ها و استعدادهای افراد اشاره دارد، سرمایه اجتماعی ناظر بر ارتباطات و شبکه‌های اجتماعی، هنجارها و اعتماد متقابل ناشی از آنهاست. از نظر پاتنام سرمایه اجتماعی بر قابلیت جامعه برای ایجاد انواع انجمن‌های داوطلبانه دلالت دارد که افراد را به همکاری با یکدیگر و در نتیجه حفظ تکثرگرایی دموکراتیک تشویق می‌کند (توسلی،۱۳۸۴).

از نظر پاتنام، سرمایه اجتماعی آن دسته از ویژگی‌های زندگی اجتماعی، شبکه‌ها، هنجارها و اعتماد است که مشارکت‌کنندگان را قادر می‌سازد تا به شیوه‌ای موثرتر اهداف مشترک خود را تعقیب کنند. به بیان دقیق‌تر سرمایه اجتماعی از طریق افزایش هزینه‌های بالقوه جدا شدن، تقویت هنجارهای مستحکم بده - بستان، تسهیل جریان اطلاعات از جمله اطلاعات مربوط به شهرت کنشگران و تجسم موفقیت‌های گذشته سعی دارد به تحقق کنش جمعی کمک کند (مبشری، ۱۳۸۷، ۱۶).

پاتنام مقوله سرمایه اجتماعی را مرتبط با جمع و جامعه می‌داند و این مفهوم را اینگونه تعریف می‌کند: شبکه‌ها، هنجارها و اعتماد، شرکت کنندگان را به همکاری جدی‌تر و کارآمدتر برای دستیابی به هدف‌های مشترک قادر می‌سازد، بنابراین پاتنام سرمایه اجتماعی را به عنوان همبستگی اجتماع محلی حاصل شده دارای ویژگی‌های ذیل می‌داند:

۱- وجود مجموعه‌ای متراکم از سازمان‌ها و شبکه‌های اجتماع محلی.

۲- سطوح بالای تعهد مدنی یا مشارکت در شبکه‌های اجتماعی محلی.

۳- هویت محلی قوی و مثبت و نیز احساس تجانس و برابری با اعضای اجتماع محلی.

۴- هنجارهای تعمیم یافته محلی مربوط به اعتماد و کمک متقابل بین اعضای اجتماع محلی و اینکه آیا آنها یکدیگر را به لحاظ شخصی می‌شناسند یا خیر

۵- شبکه‌های مشارکت مدنی تجسم همکاری‌های موفقیت‌آمیز گذشته هستند که می‌توانند همچون الگویی فرهنگی برای همکاری‌های آتی عمل کند (ازکیا، ۱۳۸۳: ۲۷۸) و (کراماتی، ۱۳۸۹، ۱).

پاتنام سرمایه اجتماعی را به عنوان یک کالای عمومی (سرمایه اجتماعی بالا نتایج سودمندی همانند کاهش جرم یا افزایش مشارکت سیاسی رابرای جامعه تسهیل می کند) تعریف می کند.

پاتنام (۱۳۸۰)سرمایه اجتماعی را آن دسته از عناصر و ویژگیهای نظام اجتماعی (مانند اعتماد اجتماعی، هنجارهای معامله متقابل و شبکه های اجتماعی) می داند که هماهنگی و همکاری را در بین افراد یک جامعه برای دستیابی به سود متقابل تسهیل می کنند. وی سرمایه اجتماعی را به دو شکل اجتماعی درون گروهی و بین گروهی تقسیم می کند. رابرت پاتنام با ایجاد تمایز بین انواع سرمایه ها و تقسیم سرمایه اجتماعی به درون گروهی و بین گروهی در تدوین مبانی نظری آن سهم قابل توجهی داشته است (کراماتی، ۱۳۸۹، ۱).

پاتنام برای مطالعه خود کارکرد سازمانهای منطقه ای رابه عنوان متغیر وابسته و رشد اقتصادی و سرمایه اجتماعی را به عنوان متغیرهای مستقل تحقیق خود در نظر می گیرد. برای سنجش رشد اقتصادی از شاخصهای اقتصادی مرسوم مانند بی سوادی، میزان اشتغال در بخش صنعت و غیره بهره جست و برای سنجش سرمایه اجتماعی نیز از سه شاخص آگاهی، مشارکت و نهادهای مدنی استفاده نمود. پاتنام با انجام مطالعاتی میدانی، مصاحبه با مردم، اعضای شوراها و مراجعه به تاریخ مدنی، داده های مورد نظر خود را گردآوری و به تحلیل آنها پرداخت. بخشی از عواملی که پاتنام بر آن تاکید دارد، موضوع سرمایه اجتماعی است و آنرا راه حلی برای درمان مسائل کنش جمعی می داند. از نظر وی سرمایه اجتماعی "شبکه ها، هنجارها و اعتمادی است که مشارکت کنندگان را قادر می سازد تا به طور موثرتری با همدیگر کنش داشته باشند و اهداف مشترکشان را پیگیری نمایند."(پاتنام،۱۳۸۰، ۵۶)

پاتنام مطالعات زیادی را بررسی نموده است که پیوند مثبتی را بین سرمایه اجتماعی و دموکراتیک بودن دولت، موفقیت تحصیلی، جرم، رفاه کودکان، شادکامی و سلامت جسمانی و روانی گزارش نموده اند. وی نتایج مطالعات متعددی را ذکر می کند که نشان از وجود پیوند بین پیوند اجتماعی با سلامتی و بهزیستی شخصی دارند.

رابرت پاتنام سرمایه اجتماعی را مجموعه اعتماد، هنجارها، و شبکه‌های پیوند که همکاری را برای سود متقابل تسهیل می‌کند می‌داند که نتیجه آن انواع متفاوتی از کنش‌های جمعی است (Winter, 2000-3) . او سه شاخص برای سرمایه اجتماعی در نظر می‌گیرد: آگاهی، مشارکت و نهادهای مدنی (کراماتی، ۱۳۸۹، ۱)

فوکویاما سرمایه اجتماعی را مجموعه‌ای از هنجارهای موجود در سیستم‌های اجتماعی می‌داند که موجب ارتقای سطح همکاری اعضای آن جامعه شده و سبب پایین آمدن هزینه‌های تبادلات و ارتباطات می‌شود. فوکویاما سرمایه اجتماعی را به عنوان یک پدیده جامعه شناختی مورد توجه قرار می‌دهد. به نظر او سرمایه اجتماعی با شعاع اعتماد

ارتباط تنگاتنگی دارد و هرچه قدر شعاع اعتماد در یک گروه اجتماعی گسترده‌تر باشد، سرمایه اجتماعی نیز زیاد خواهد بود و به تبعیت از آن میزان همکاری و اعتماد متقابل اعضای گروه نیز افزایش خواهد یافت.

آنچه از تعاریف متعدد سرمایه‌اجتماعی برمی‌آید این است که این مفهوم دربردارنده مفاهیمی همچون اعتماد، همکاری و روابط متقابل بین اعضای یک گروه بوده به نحوی که گروه را به سمت دستیابی به هدفی که بر مبنای ارزش‌ها و معیار رایج در جامعه مثبت تلقی شود هدایت می‌کند. لذا آنچه از این تعریف استنباط می‌شود این است که هر چند ممکن است سرمایه اجتماعی به دلیل تقویت نیروهای جاذبه بین اعضای یک گروه و نیروهای دافعه بین گروه‌های متفاوت لزوما عامل مثبتی در یک جامعه به شمار نیاید ولی قطعا برای پیشبرد و سهولت در عملکرد اقتصادی، اجتماعی آنها، جامعه یک عامل ضروری به شمار می‌رود. بنابراین میزان سرمایه اجتماعی در یک جامعه می‌تواند نشان دهنده شکاف موجود بین آن جامعه یا یک جامعه برخوردار از یک نظام دموکراسی با حداکثر کارایی در نظام اقتصادی، اجتماعی باشد (مبشری، ۱۳۸۷، ۱۶).

در دو دهه اخیر مفهوم سرمایه اجتماعی در زمینه‌ها و اشکال گوناگونش به عنوان یکی از کانونی‌ترین مفاهیم، ظهور و بروز یافته است، هر چند شور و شوق زیادی در بین صاحب‌نظران و پژوهشگران ایجاد کرد. لیکن نگرش‌ها، دیدگاه‌ها و انتظارات گوناگونی را نیز دامن زده است. افزایش حجم قابل توجه پژوهش‌ها در این حوزه بیانگر اهمیت و جایگاه سرمایه اجتماعی در سپهرهای متفاوت اجتماعی است.

به طور کلی میزان سرمایه اجتماعی در هر گروه یا جامعه‌ای نشان دهنده میزان اعتماد افراد به یکدیگر است. همچنین وجود میزان قابل قبولی از سرمایه‌اجتماعی موجب تسهیل کنش‌های اجتماعی می‌شود، به طوری که در مواقع بحرانی می‌توان برای حل مشکلات از سرمایه‌اجتماعی به عنوان اصلی‌ترین منبع حل مشکلات و اصلاح فرآیندهای موجود سود برد. از این‌رو شناسایی عوامل موثر در تقویت یا تضعیف سرمایه اجتماعی اهمیت بسزایی دارد.

۴- شاخص های سرمایه اجتماعی

سرمایه اجتماعی دارای سه بعد اساسی است:

۱) بعد ساختاری: شامل الگوی پیوندهای میان اعضاء گروه و ترکیب سازماندهی این اعضاء است. سلسله مراتب شبکه، تراکم و میزان همگنی گروه یا اعضای گروه از جمله شاخص‌های عمده بعد ساختاری هستند.

۲) بعد هنجاری: به کیفیت تعاملات و ارتباط اعضاء در درون یک گروه اشاره دارد. در این بعد شاخص‌هایی نظیر اعتماد و ارتباط متقابل مطرح است.

۳) بعد شناختی: کمتر قابل اندازه‌گیری بوده و می‌توان آن را ارزش‌های مشترک در میان اعضای یک گروه دانست. هنجارها، ارزش‌ها، نگرش، باورها، فرهنگ شهری و ... در این بعد قرار دارند.

سرمایه اجتماعی را در سه سطح خرد، میانی و کلان طبقه‌بندی می‌کنیم.

در سطح خرد سرمایه اجتماعی در قالب روابط فردی و شبکه‌های ارتباطی بین افراد و هنجارها و ارزش‌های حاکم بر آنها مورد بررسی قرار می‌گیرد. بر این اساس سرمایه اجتماعی موضوعاتی چون شدت و کیفیت روابط و تعاملات بین افراد و گروهها، احساس تعهد واعتماد دو جانبه به هنجارها و ارزش‌های مشترک را شامل شده و به عنوان یک حس تعلق و پیوستگی اجتماعی است. (ازکیا و غفاری، ۱۳۸۴)

در سطح میانی سرمایه اجتماعی هم جنبه‌هایی از ساخت اجتماعی را داراست و هم کنش‌های خاص کنشگران را درون سیستم یا ساختار اجتماعی تسهیل می‌کند. این مفهوم ارتباطات افقی و عمودی را شامل می‌شود و سازمان‌ها

و روابط بینابینی آنها اعم از باشگاهها، انجمن‌ها، شرکت‌ها، احزاب و NGO ها در زمره آن قرار می‌گیرد. در واقع سرمایه اجتماعی در روابط اجتماعی و هنجارهای اجتماعی بین گروه‌هایی که کار مشارکتی می‌کنند وجود دارد. (مسقطیان و موسوی، ۱۳۸۳)

در سطح کلان سرمایه اجتماعی شامل روابط قراردادی و ساختاری نهادهای کلان مانند دولت، حکومت سیاسی و نظام‌های حقوقی و قضایی می‌گردد. دراین سطح روابط و ساختارهای رسمی مانند قوانین و مقررات حاکمیت سیاسی، میزان مشارکت سیاسی، شکل‌گیری نهادهای سیاسی و اجزای سرمایه اجتماعی را تشکیل می‌دهد. به عبارت دیگر در سطح کلان با سرمایه اجتماعی ساختاری سر و کار داشته که اعتماد نهادی و اعتماد به حکومت ونیز اعتماد به نظام‌های تخصصی مؤلفه‌های اصلی آن را تشکیل می‌دهند. (ازکیا و غفاری، ۱۳۸۴)

در کل، تعدادی از عناصر اصلی که می‌توان سرمایه اجتماعی را با آن مورد اندازه‌گیری قرار داد عبارتند از:آگاهی به امور عمومی، سیاسی، اجتماعی، وجود انگیزه در افراد جامعه که در پی کسب این دسته از آگاهی‌ها برآیند، اعتماد عمومی به یکدیگر، اعتماد به نهادهای مردمی و دولتی، مشارکت غیر رسمی همیارانه در فعالیت‌های داوطلبانه در تشکل‌های غیردولتی، خیریه‌ای، مذهبی، اتحادیه‌ها، انجمن‌های صنفی و علمی و... . در مجموع می‌توان گفت که یکی از معیارهای اصلی در شناخت سرمایه اجتماعی شکل و شیوه روابط اجتماعی افراد با یکدیگر و نحوه همزیستی آنها در جامعه مورد مطالعه است. از دیگر معیارها می‌توان به احساس مردم نسبت به حکومت و مردم اشاره کرد و نیز داشتن احساس خوشایند نسبت به امنیت، پیوندهای خانوادگی و اجتماعی و امیدواری نسبت به آینده از معیارهای مطرح محسوب می‌شود (مبشری، ۱۳۸۷، ۱۶).

۵- جمع بندی و نتیجه گیری

اگر سرمایه اجتماعی را ارتباط و شبکه‌های اجتماعی‌ای که می‌توانند اطمینان و حس همکاری را در میان افراد حاضر در شبکه‌های مورد بحث ایجاد کنند بدانیم، آنچه بیش از پیش اهمیت پیدا می‌کند نقش نهادهای جامعه مدنی در تشکل این سرمایه است. اگر ما مانند عنصری از یک سازمان مدنی به صورت همیشگی همدیگر را ملاقات کنیم احساس مسئولیت نسبت به همدیگر در ما پیدا می‌شود و می‌توانیم به همدیگر اعتماد کرده و در نهایت با هم همکاری کنیم. برای اینکه احساس اطمینان در بین باشد لازم است که ما همدیگر را ملاقات کنیم و ارتباط مدام با هم داشته باشیم. همچنین چیزی که به طور جمعی می‌توانیم به دست آوریم به تنهایی نمی‌توانیم.

منظور از با هم بودن، نهادهای اجتماعی‌ای است که کارکرد دیدار، شناخت و در نهایت اعتماد را میسر می‌کنند. البته حتما لازم نیست که ارتباط پیش‌گفته تنها در داخل نهادهای جامعه مدنی باشد بلکه بیشتر روش‌ها و فرم‌های اجتماعی را نیز که ارتباط مداوم و سازماندهی‌شده دارند، در برمی‌گیرد. اما نباید از یاد برد که اعتماد و حس همکاری با شیوه‌ای آسان‌تر در داخل نهادهای جامعه مدنی درست می‌شوند؛ به این دلیل که اعضای آن نهادها به دلخواه و بدون هیچ چشمداشتی به عضویت آن نهادها درمی‌آیند.

به این ترتیب سرمایه اجتماعی عبارت است از مجموع آن دسته از ارتباطات و شبکه‌های ارتباط اجتماعی که در جامعه موجودند و نیز میزان اعتماد و همکاری میان روابط موجود. در اینجا می‌توان گفت اگر در جامعه‌ای میزان سرمایه اجتماعی پایین باشد خطر افتادن آن جامعه به وضعیت تله اجتماعی بسیار بالاست. تله اجتماعی یعنی سرمایه اجتماعی پایین، نبودن اعتماد و اطمینان به یکدیگر بین مردم، رواج فساد اداری- اقتصادی، ترس و.... پس می‌توان تله اجتماعی را که بعضی اوقات از آن به عنوان مشکل منافع جمعی یاد می‌شود به صورت زیر شرح داد:

همه می‌دانیم که منافع‌مان ایجاب می‌کند که همه با هم همکاری کنیم. اما اگر تو به این باور نرسی که تمام افراد دیگر اجتماع هم همکاری می‌کنند، دیگر معنایی نخواهد داشت که تو به تنهایی همکاری کنی. نتیجه این اعتقاد این است که همکاری و تلاش برای منافع جمعی تنها زمانی میسر می‌شود که انسان به این باور برسد که همه افراد دیگر نیز همکاری خواهند کرد (مبشری، ۱۳۸۷، ۱۶).

سرمایه اجتماعی ، عبارت است از یک ظرفیت (جوهر اجتماعی) که هماهنگی و همکاری را در جامعه و گروه، تسهیل می کند . در واقع، می توان سرمایه اجتماعی را یک مفهوم مرکب که دارای سه بعد ساختار، محتوا و کارکرد است، تلقی نمود که ساختار اجتماعی آن، همان شبکه ارتباطات اجتماعی است و محتوای آن، عبارت از اعتماد و هنجارهای اجتماعی است و کارکرد آن نیز همان عمل متقابل اجتماعی است. بنابراین از تعاریفی که یاد شد می توان به این جمعبندی رسید:

اول این که عده ای منشأ سرمایه اجتماعی را ساختار اجتماعی می دانند و عده ای دیگر، ویژگی ها و یا هنجارهای اجتماعی محسوب می کنند. دوم، این که نتیجه و اثر سرمایه اجتماعی را عموما بر تقویت هماهنگی و همکاری بین افراد یک گروه و سازمان با یکدیگر می دانند که به صورت منبع مولّد مزیت و یا بازدهی در روابط اجتماعی از آن نام می برند. نکته سوم، این که سرمایه اجتماعی را عموما ترکیبی از اعتماد، هنجارهای متقابل اجتماعی و شبکه ارتباطی می دانند، که آن نیز به نوبه خود، اعتماد و جامعه مدنی را به وجود می آورد (حق شناس، ۱۳۸۴، ۸).

منابع

[۱] الوانی و شیروانی، علیرضا (۱۳۸۳)، سرمایه اجتماعی، اصل محوری توسعه، ماهنامه تدبیر، شماره ۱۴۷، صص ۱۶-۲۲.

[۲] پاتنام، رابرت، (۱۳۸۰)، «دموکراسی و سنتهای مدنی»، ترجمه محمدتقی دلفروز، چاپ اول، تهران: نشر روزنامه سلام

[۳] تاجبخش، کیان، (۱۳۸۹)، «سرمایه اجتماعی، اعتماد، دموکراسی و توسعه»، ترجمه افشین خاکباز و حسن پویان، چاپ سوم، تهران: نشر شیرازه.

[۴] توسلی، غلامعباس و موسوی، مرضیه(۱۳۸۴)، مفهوم سرمایه در نظرات کلاسیک و جدید با تاکید بر نظریه‌های سرمایه اجتماعی"، نامه‌ی علوم اجتماعی، شماره ۲۶، صص۳۲-۱

[۵] حق شناس، معصومه (۱۳۸۴)، مفهوم سرمایه اجتماعی و ابعاد آن، دوماهنامه حدیث زندگی، سال پنجم، بهمن و اسفند، شماره پیاپی ۲۷، صص ۹-۶.

[۶] شریفیان ثانی، مریم، (۱۳۸۰)، سرمایه اجتماعی: مفاهیم اصلی و چارچوب نظری، رفاه اجتماعی، دوره ۱، شماره ۲، صص ۱۸- ۵

[۷] شکربیگی، عالیه، (۱۳۸۸)، تجددگرایی، سرمایه اجتماعی و خانواده ایرانی ، علوم رفتاری، دوره ۱، شماره ۱، صص ۱۵۴- ۱۳۹.

[۸] صیدایی، اسکندر و {همکاران}، (۱۳۸۸)، دیباچه ای بر سرمایه اجتماعی و رابطه آن با مولفه های توسعه اجتماعی در ایران، راهبرد یاس، شماره ۱۹، صص ۲۲۵- ۱۸۸.

[۹] فوکویاما، فرانسیس، (۱۳۷۹)، «پایان نظم: سرمایه اجتماعی و حفظ آن»، ترجمه غلامعباس توسلی، تهران: انتشارات جامعه ایرانیان

[۱۰] فوکویاما، فرانسیس(۱۳۸۹)، سرمایه اجتماعی و جامعه ی مدنی، در «سرمایه اجتماعی، اعتماد، دموکراسی و توسعه»، ترجمه افشین خاکباز و حسن پویان، چاپ سوم، تهران: نشر شیرازه.

[۱۱] مبشری، محمد، (۱۳۸۷)، سرمایه اجتماعی چیست، *روزنامه همشهری*، سه شنبه ۳۰ مهر، سال شانزدهم، شماره ۴۶۷۹، ص ۱۶.

[۱۲] متوسلی، محمود و بی نیاز، علی (۱۳۸۱)، رویکردی به ارزیابی سرمایه اجتماعی در اقتصاد ایران، برنامه و بودجه، شهریور و مهر، شماره ۳، صص ۶۲-۳۵.

[۱۳] مرکز ملی آمایش سرزمین، (۱۳۸۵)، راهنمای انجام مطالعات برنامه آمایش استان تهران، بی جا.

[1] Winter. Ian (2000), *Toward a Theorized Understand of Family Life and Social Capital*, Australian Institute of family Studies, Working Paper, No 21 ,Sited in: WWW.aifs.org.au